

# رویکردی اسلامی به طراحی مدل ساختارمند نظام آموزش معماری

سید غلامرضا اسلامی\*

مهرونوش قدسی\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۱۹

## چکیده

با توجه به اهمیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در حوزه‌های مختلف پژوهشی، آموزشی و تخصصی، یا به عبارتی تولید، انتقال و کاربردی نمودن علم، ضرورت پرداختن به مدل ساختاری آموزش همواره مورد تأکید بوده است. این امر در برنامه‌ریزی رشته‌های هنری، که نیاز به ارتقاء توانایی و خلاقیت فردی دانشجویان دو چندان است، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. در این مقاله پنج شاخصه اصلی نظام آموزشی عالی یعنی: دانشجو، استاد، نظام آموزشی - پژوهشی، امکانات و شرایط آموزش - پژوهشی، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در راستای تحلیل وضعیت نظام آموزش فعلی، ساز و کار ارزیابی آن بر اساس ضابطه‌های بیرونی و تعریف استاندارد متناسب با اهداف و مقاصد جامعه امروز و نیز ارزشیابی آن بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مقایسه‌ای، صورت می‌پذیرد تا بتوان از نتایج آن برای تعیین و تبیین دروس و سرفصل‌هایی با اهداف تحصیلی تخصص محور، آموزش محور و پژوهش محور استفاده نمود.

با توجه به مشخص بودن استراتژی و سیاست‌گذاری‌های اصلی نظام آموزش عالی ایران، که تأکید آن بر به روز بودن، اسلامی بودن، پویا بودن و بومی بودن است، چنین به نظر می‌رسد که اسلامی و یا بومی نمودن آموزش عالی به عنوان اصل آغاز کننده برای فرآیندی پویا می‌باشد که متفاوت است از ضوابط در نظر گرفته برای خروجی‌های یک نظام آموزشی. از این‌رو بررسی و تحلیل تاریخی ارتباط میان علم، هنر و دین برای روشن نمودن وجوه اشتراک و تفاوت آن‌ها می‌تواند بستر پژوهشی مناسب در توشه‌اندوزی از این رهگذر باشد که از طریق روش تحقیق مشابه‌سازی به کنکاش ابعاد دقیق و علمی آن پرداخته خواهد شد. در این پژوهش ضمن معرفی سه مقطع اصلی تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری معماری در دانشگاه و مواجهه نظام‌های آموزشی مختلف آنها از منظر اهداف، ساختار، رسالت و ... به لزوم سیاست‌گذاری مناسب بر اساس جهان‌بینی اسلامی در برنامه‌ریزی آموزشی اشاره خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** نظام آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش معماری، نگرش اسلامی

\* دکتری معماری، گرایش برنامه‌ریزی توسعه، دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. gheslami@ut.ac.ir  
\*\* پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. m\_ghodsi@srbiau.ac.ir

## مقدمه

مهمی ایفاء می‌کنند. گرچه می‌دانیم که توسعه آموزش عالی با محوریت رشد کمی باعث سرویس‌دهی بیشتر و بزرگ شدن سامانه آموزشی شده و در نهایت موجب افت کیفیت می‌گردد. این نوع سامانه توسعه محور به جهت عدم تناسب بین عرضه و تقاضا موجب انباشت غیر ضروری فعالیت‌ها، هدر رفتن سرمایه‌ها و در نهایت بلامتکلیف ماندن استعداد و توانایی افراد خواهد شد. از سویی دیگر انسان، هم به عنوان هدف توسعه کیفی و هم به عنوان عامل توسعه مطرح است. یعنی توسعه انسان محور باید به گونه‌ای باشد که منجر به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها گردد.

طبعاً شناخت چالش‌های آموزش عالی در ایران می‌تواند در مسیر توسعه راهگشا باشد. مهمترین این چالش‌ها عبارتند از:

۱. سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی؛
۲. مدیریت و ساختار؛
۳. همکاری‌ها و ارتباط با مراکز علمی بین‌المللی؛
۴. تقاضای اجتماعی؛
۵. ارتباط دانشگاه با صنعت؛ و
۶. کیفیت. (چالش‌های آموزش عالی و توسعه پایدار، ۱۳۸۳)

سیاست‌گذاری و یا به عبارتی تدوین راهبردها، بعد از تعیین اهداف آغاز می‌شود و یکی از عناصر مهم چرخه دانش است. در این راستا ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه شناسایی شده، به فعلیت رسیده؛ نهایتاً کاربردی و اجرایی می‌گردند. جدایی سیاست‌گذاری از فرآیند تولید دانش، منجر به انحراف در برنامه‌های توسعه می‌گردد. در جهان، تولید دانش و فناوری است که منتهی به سیاست‌گذاری می‌گردد. لازم به ذکر است که در کشور ایران، هر چند در برنامه‌های توسعه‌ای دولت به صورت کلی، اهدافی برای دانشگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود اما اهداف و راهبردهای خاص و مشخصی برای دانشگاه‌ها پیشنهاد نشده است. برای نمونه اهداف ذیل که در قانون اول برنامه ۵ ساله توسعه اجتماعی و اقتصادی به تصویب

در سال‌های اخیر، خصوصاً با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه‌ها در تعامل بیشتری با محیط پیرامونی خود قرار گرفته‌اند که منجر به دگرگونی‌ها و چالش‌هایی در نظام آموزشی عالی گرداگرد جهان شده است. برخی از این دگرگونی‌ها عبارتند از:

۱. افزایش چشم‌گیر شمار دانشجویان که تا حدود زیادی در پاسخ به افزایش شمار جمعیت و دگرگونی‌های مربوط به نیازهای اجتماعی پدید آمده است؛

۲. تنوع در تقاضای سامانه آموزش عالی متناسب با خواست‌های اجتماعی متنوع؛

۳. نظام عرضه<sup>۱</sup> آموزش با افزایش دسترسی‌پذیری به اطلاعات و فناوری ارتباطات تنوع بسیاری یافته. که بکارگیری انواع شیوه‌های آموزش و یادگیری از راه دور، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، برنامه‌های فشرده نظری - عملی<sup>۲</sup> و برنامه‌های مشترک با صنعت از آن جمله‌اند؛ و

۴. شیوه‌های کنترل نظام آموزش عالی نیز بر اثر همان تنوع منابع تأمین سرمایه و در برخی موارد تلاش برای کاستن از بار مسوولیت دولت در آموزش عالی، صورت‌های مختلفی به خود گرفته است. که طبعاً این دگرگونی‌های بطنی، تغییرات گسترده‌ای در محیط بیرون را به وجود می‌آورند. (بیکانس سی. سانپال، ۱۳۷۷)

امروزه در کشور ما جامعه در حال توسعه است. پر واضح است که منظور از توسعه نه به معنای وسعت بخشیدن کمی، بلکه کاهش یا افزایش چیزی برای دستیابی به کیفیت بالاتر است. به عبارتی دیگر توسعه، فرایند تحول را تبیین می‌کند. فرایندی بین اندیشه‌های نو، ایده‌های تازه و آرمان‌های جدید که به نوسازی ساختارها و نهادها می‌انجامد. بنابراین همان‌گونه که گذشت، در جوامع در حال توسعه، دانشگاه‌ها نیز نقش

مجلس شورای اسلامی رسیده است، جهت اثبات این مهم ارائه می‌گردند:

۱. کمک به توسعه و ارتقای علوم و معارف در کشور؛
۲. مشارکت در تربیت و تأمین نیروی انسانی متعهد و متخصص مورد نیاز کشور؛
۳. مشارکت در امر فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه تحقیقات، نوآوری، انتقال و جذب فناوری؛
۴. بهبود شاخص‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی؛
۵. مشارکت در امر انطباق محتوای آموزش‌ها با نیازهای تخصصی جامعه و متقاضیان، ناشی از توسعه علوم و معارف؛
۶. توأم ساختن آموزش با پژوهش در کلیه مقاطع تحصیلی و کمک به نیازهای پژوهشی کشور؛ و
۷. برقراری ارتباط متقابل با مؤسسات آموزش عالی و دیگر بخش‌ها در زمینه‌های علمی، فرهنگی و صنعتی. (امیدی، ۱۳۸۳)

در این میان، انتظارات از سامانه‌های آموزشی-پژوهشی اجرا شده چیست؟ آیا استانداردها، قوانین و شیوه‌های فعلی متناسب با نیازها، اهداف و مقاصد جامعه است؟ از چه شاخصه‌هایی برای ارزیابی می‌توان استفاده نمود؟ ملاک‌ها و معیارها برای ارزشیابی چگونه تعریف می‌شوند؟ روش تدوین اهداف و راهبردهای مشخص برای دانشگاه‌ها چیست؟ لذا هدف از ارائه این مقاله اشاره به نکاتی راهبردی و کاربردی در خصوص امر برنامه‌ریزی سامانه آموزش هنر و به طور خاص رشته معماری می‌باشد. از طرف دیگر، به خوبی روشن است که دین مبین اسلام به عنوان یک جهان‌بینی و مکتب فکری، در تمامی ابعاد فرآیند طراحی و تولید در حوزه‌های مختلف تخصصی هنر صاحب‌نظر بوده و با بکارگیری آن اصول زمینه آفرینش و یا امکان تعریف و بازتعریف آثار اسلامی میسر می‌گردد. نقش تفکر اسلامی نه تنها در برنامه‌ریزی، بلکه در برنامه‌دهی و توسعه نیز قابل مطالعه و بررسی است. آنچه حائز اهمیت است آن که اسلامی و ایرانی شدن از طریق توجه به اصول قابل پیگیری است

و پرداختن به ضوابط و استانداردهای مورد نظر در الویت بعدی قرار خواهند گرفت.

بدین ترتیب در این مقاله پس از شناخت مشکلات سامانه آموزشی فعلی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاهی هنر - به طور خاص در رشته معماری - به تبدیل آن مشکلات به مسایل قابل حل پرداخته می‌شود. به عنوان مثال در نقد معماری معاصر ایران گفته می‌شود: «معماری معاصر از یک بی هویتی رنج می‌برد». پس هدف سامانه‌های آموزشی باید تربیت معمارانی با بنیه علمی هنری قوی باشد که طبیعتاً می‌تواند به ایجاد تغییراتی کمی و کیفی در حجم و قالب دروس منجر شود. لذا می‌باید با توجه به اهداف آموزشی، پژوهشی و تخصصی، روش‌های مختلفی نیز تعریف و اتخاذ گردند. پر واضح است که هدف از بیان ضرورت یک پژوهش، بیان کمبود یا نبود آن نیست. تعیین این که میان همه مشکلات مرتبط با موضوع، کدام یک الویت بیشتری دارد، تعریف ضرورت را توجیه می‌نماید. بدیهی است که در این راستا آشنایی با راه‌ها و روش‌های تشخیص مشکل، حل مشکل و ... حائز اهمیت خواهند بود. در این مقاله از طریق شیوه مشابه‌سازی و مدل‌سازی مفهومی به شرح مناسب‌تر از روش مواجهه با مشکلات و ارائه راه حل‌های مناسب در جهان‌بینی اسلامی پرداخته خواهد شد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی و بر اساس مدل‌سازی مفهومی است که در آن مختصات هر جزء در ارتباط با کل و با توجه به سیاست‌ها و اهداف کلان و غایی تعریف خواهد شد. همچنین نوع مطالعه صورت گرفته از نوع کتابخانه‌ای بوده که با توجه به کتب و مقالات و وب سایت‌های مربوطه انجام پذیرفته است.

### پیشینه تحقیق

با بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت

پذیرفته درباره موضوع مورد بحث، ملاحظه گردید که در خصوص چالش‌هایی که دانشگاه‌های امروز در سراسر جهان با آن مواجهند، راه‌کارهایی بسته به نیاز هر جامعه، پیشنهاد و اجرایی گردیده است. در ایران نیز مطالعه بر شیوه‌ها و نظام آموزش معماری سنتی ایران، اطلاعاتی در دست است که بعضاً در حوزه‌های مختلف عملی، نظری و معنوی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه که از واژه اسلام و یا اسلامی شدن در سامانه‌های آموزشی در ذهن مترتب است، صرفاً پرداختن به احکام اسلام و در نهایت توجه به معماری اسلامی است. اما در این که دید اسلام و مبانی نظری اسلامی و یا به بیانی دیگر اسلامی شدنی که در اهداف کلان آموزش عالی ذکر شده است، چگونه می‌تواند در بهبود یک سامانه آموزشی تأثیر گذار باشد، اطلاعات منسجمی یافت نگردید.

## ۱. مراکز آموزشی پژوهشی، دیروز و امروز

دانشگاه‌ها از پیچیده‌ترین نهادهایی هستند که به امر آموزش و پژوهش می‌پردازند. این نهادها در طول قرن‌ها در تمامی کشورها و عمدتاً اروپا، رشد و توسعه یافتند تا این که در دهه ۱۹۶۰ تبدیل به عناصر با اعتبار جامعه گردیدند. هرچند امروزه تعداد دانشجویان نسبت به قرن پیش صدها برابر شده است، لیکن اعتبار دانشگاه‌ها رو به کاهش است. در این ارتباط پیتر دراکر<sup>۳</sup> در ۱۹۹۷ پیش بینی کرد که: «تا سی سال دیگر دانشگاه‌های بزرگ فقط بنای یادبود خواهند بود». درسمینار گلیون<sup>۴</sup> ۱۹۹۸ سوییس نیز به ۶ چالش به عنوان چالش اساسی دانشگاه‌های جهان اشاره شد که عبارت بودند از:

۱. محیط در حال تغییر (تأثیر فناوری و جهانی شدن)؛
  ۲. رسالت‌ها؛
  ۳. آموزش و دانشجویان؛
  ۴. حرفه علمی (اساتید)؛
  ۵. تأمین منابع مالی؛ و
  ۶. اداره امور دانشگاه‌ها. (ورنر و وبر، ۱۳۸۱)
- مطالعه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلان،

برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی آن، رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشورمان ایران را در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی<sup>۵</sup> در محورهای زیر پیشنهاد نموده است:

۱. توسعه متوازن کمی و کیفی نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی؛
  ۲. هدایت نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی کشور در جهت توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، افزایش خلاقیت و روزآمد ساختن دانشگاه‌ها؛
  ۳. بهینه‌سازی ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور با هدف ارتقای بهره‌وری و شکوفایی علمی؛
  ۴. اهتمام به اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش، ارتقای کیفیت عقیدتی، علمی و عملی اساتید؛
  ۵. ساماندهی به نظام اعتبار سنجی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها مبتنی بر توانایی، کارایی و اثربخشی و ساماندهی به نظام ارتقای اساتید؛
  ۶. ساماندهی به نظام آمار و اطلاعات علمی و پژوهشی دولتی و غیر دولتی و ایجاد ساختارهای لازم برای تبدیل نتایج فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی به تجربه‌های انباشته و قابل دسترسی؛
  ۷. تعریف، شناسایی، هدایت، پرورش، جذب و بکارگیری نیروهای درخشان و ایجاد بسترهای مناسب جهت جذب و پیشگیری از مهاجرت نخبگان؛ و
  ۸. برنامه‌ریزی جهت افزایش نقش دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و فرهنگستان‌ها در ارتقای کارآمدی نظام، دفاع از مرزهای اعتقادی، وحدت و امنیت ملی و صیانت از فرهنگ و هویت ملی - اسلامی در مقابل تهاجم فکری و فرهنگی بیگانگان.
- همان‌گونه که گذشت یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نظام آموزش عالی ایران، اسلامی شدن دانشگاه‌ها ذکر شده است. نگرش اسلامی شدن آموزش در هر دو مقیاس کلان و خرد قابل بررسی است: رویکرد کلان در حوزه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های

آموزش و نگرش خرد در شیوه‌های آموزش و روند آن در فضای آموزشی است. نویسندگان این مقاله تلاش خواهند نمود تا با توجه به ارتباط این دو نگرش به یکدیگر محور اصلی بحث و بررسی را در چهارچوب موضوع مقاله و در مقیاس کلان به انجام رسانند.

## ۲. استراتژی‌های آموزش:

### مقاطع تحصیلی، اهداف و ساختارها

یکی از نقدهای مهم فعلی فعالیت دانشگاه‌ها این است که برنامه‌های آنها پاسخگوی نیازهای محیط و جامعه نبوده و مبتنی بر خواست برنامه‌ریزان می‌باشند. در صورتی که می‌باید در ابتدا نیازهای واقعی جامعه توسط اهداف و برنامه‌های بالادستی، تعریف شده و سپس پاسخی برای آن نیازها، آماده گردد. در ادامه پس از تعریف اهداف، به مدل‌سازی مفهومی و نهایتاً به ارائه برنامه‌ها جهت کاربردی نمودن آن مفاهیم پرداخته می‌شود. هدف از بررسی مدل‌ها، دریافت ملاک‌ها و معیارهایی ناشی از فلسفه و جهان‌بینی اسلامی<sup>۶</sup> است که امکان ارزش‌گزاری و ارزشیابی را فراهم می‌آورد.

در راستای مشخص نمودن استراتژی‌های آموزش، اولین گام تعیین اهداف و تعریف انواع آن است. ذکر این نکته ضروری است که گاهی هدف، خوب یا درست کار کردن خود سامانه بدون در نظر گرفتن مقصد آن است که به آن هدف درون سازمانی اطلاق می‌شود. این اهداف موضوع، سازمان و ستاد واحد آموزشی را شامل شده و از اهداف مستقیم آموزش و پژوهش متفاوت می‌باشند. چرا که در این صورت، لایه‌های مدیریت آموزش که شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا هستند، نه تنها به صورت مجزا بلکه در ارتباط با یکدیگر نیز از کارایی کافی برخوردار نخواهند بود.

اهداف اولویت‌بندی شده را اهداف استراتژیک<sup>۷</sup> می‌نامند. برای بهینه کردن عملکرد یک سامانه در جهت اجرای آن نیز هدف خاص در نظر گرفته می‌شود که اهداف اجرایی<sup>۸</sup> نامیده شده‌اند. اهداف درون‌سازمانی<sup>۹</sup>

بر اساس خواست‌ها و اهداف برون‌سازمانی<sup>۱۰</sup> بر اساس نیازها شکل گرفته و از بیرون بر سامانه تأثیر می‌گذارند. طبیعتاً برای طراحی نظام جدید آموزشی یا به عبارتی نظامی پاسخگو و کارآمد، در ابتدا می‌بایست ضمن شناخت آنچه که هست، اهداف در تناسب با نیازها تشریح گردند در پس آن و با بررسی ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه، سیاست‌گذاری‌ها (راهبردها) تعیین و در نهایت در راستای به فعلیت رساندن آن ظرفیت‌ها، شیوه‌های اجرا و کاربردی تعریف و تشریح گردند. صرفاً بدین طریق است که هر چیزی در جای خود هست تر می‌شود. در این راستا می‌توان اهداف کلی آموزش و پژوهش را به صورت‌های ذیل دسته‌بندی نمود<sup>۱۱</sup> (تصویر ۱-۲):

الف. برنامه‌ریزی و تصویب قوانین (مخاطب: دستگاه‌های حامی)؛

ب. فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری (مخاطب: مردم و جامعه)؛

ج. استاندارد سازی (موضوع: دستاوردهای آموزشی، پژوهشی و تخصصی)؛ و

د. فعالیت‌های آموزشی، پژوهش و تخصصی (مخاطب: تولید کننده، آفریننده و هنرمند).

همان‌گونه که می‌دانیم پنج عامل اصلی نظام آموزشی عالی یعنی: دانشجو، استاد، نظام آموزشی - پژوهشی، امکانات و شرایط قابل بحث و بررسی است. (اسلامی، ۱۳۸۹) با توجه به رویکرد مقاله، در این بخش به عامل نظام آموزشی - پژوهشی و تأثیر آن بر اهداف مذکور خواهیم پرداخت. به طور کلی، مأموریت دانشگاه‌ها در ۳ حوزه‌ی اصلی خلاصه می‌شود: (تصویر ۲-۲)

۱. تحصیل و تولید علم، که بر پایه‌ی پژوهش استوار است. این مهم در بخش تحصیلات تکمیلی یعنی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، محقق می‌گردد. لذا هدف اصلی در این مقاطع تربیت پژوهشگر است؛  
۲. انتقال علم، که در حوزه‌ی آموزش محقق می‌گردد و در هر سه مقطع تحصیلی دانشگاهی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری کم و بیش جاری است؛ و

۱. مدل دوکی شکل: در این نوع سامانه‌ها با توجه به نیاز جامعه، تأکید برنامه‌ریزان به تخصص و حوزه کارشناسی ارشد است، حوزه‌ای که هم فن و هم دانش آن مورد توجه قرار دارد؛

۲. مدل ماسوره‌ای شکل: تأکید برنامه‌ریزان به دو حوزه کارشناسی و دکتری که در آن توجه به فن و تولیدات علمی می‌باشد. لذا در این سامانه‌ها، بدون فوت وقت تکنسین‌های قوی و حرفه‌ای جهت همکاری با سازمان‌هایی چون نظام مهندسی، شهرداری‌ها و ... از یک طرف و نظریه‌پردازانی مطرح با مدرک دکتری از طرف دیگر رشد می‌یابند؛ و

۳. مدل استوانه‌ای: شاید همانند شاکله سامانه آموزشی ایران باشد که نمایش دهنده آن است که دوره‌های مختلف آموزش دانشگاهی دارای یک ارزشند. در این نمونه که علم برای علم هدف درون سازمانی است و خواست متقاضیان به تحصیل نیاز اصلی توسعه جامعه توفیق می‌یابد، دانشجویان با ورود به دانشگاه علاقمند به ادامه مسیر تا پایان دوره دکتری می‌گردند. نتیجه این که پس از چندین سال صرف انرژی و تحمل مشکلات اجرایی، کشور مواجهه با میلیون‌ها متخصص با درجه دکتری خواهد بود که در صورت حل مشکلات مهاجرت نخبگان به کشورهای دیگر در تأمین محیط کار و استفاده صحیح از این ظرفیت‌ها دچار چالش‌های جدی خواهد گردید.

از طرف دیگر در عالم ناسوت، علم جزئی‌نگر<sup>۲۰</sup> به دنبال چیستی<sup>۲۱</sup> موجودات و علم کلی‌نگر<sup>۲۲</sup> از عالم ماده فراتر رفته و به چرایی<sup>۲۳</sup> انجام فعالیت‌های علمی در ارتباط با منافع انسانی می‌اندیشد، می‌توان بیان نمود که در علم جزئی‌نگر و تجزیه تحلیلی، بیشتر متکی به منطق استناد به دستاوردهای قبلی هستیم. لذا علم جزئی‌نگر متکی به گذشته است، لیکن معلول را نسبت به علت در الویت قرار می‌دهد. علم جزئی‌نگر ذاتاً باعث ایجاد محدودیت و قالب می‌گردد. آن‌چنان که استفاده

۳. کاربردی نمودن علم کسب و تحصیل شده، که هدف غایی آن تربیت نمودن نیروهای متخصص و حرفه‌ای در پاسخ به نیاز اصلی جامعه است.

هدف دانشگاه از تربیت و آموزش دانشجویان دوره کارشناسی، پرورش متخصص در آن رشته خاص است که جمع‌آوری اطلاعات<sup>۱۲</sup> و ثبت راه‌های رفته و دستاوردهای علمی دانشجو در پایان دوره تحصیل منجر به ارائه گزارش<sup>۱۳</sup> می‌گردد. هدف در دوره کارشناسی ارشد، پرداختن به جستجوی اطلاعات<sup>۱۴</sup>، طبقه‌بندی<sup>۱۵</sup> و دسته‌بندی<sup>۱۶</sup> آن و مطالعه طرح‌های محقق شده و مبانی نظری آنها است. یافتن راه از طریق این جستجو امکان‌پذیر بوده و در نهایت به پایان نامه<sup>۱۷</sup> منتهی می‌گردد. در ضمن دوره کارشناسی ارشد می‌تواند بر اساس نیاز، شامل برنامه‌ای پژوهش محور، آموزش محور و یا تخصص محور باشد (تصویر ۳-۲). در دوره دکتری، دانشجویان به امر پژوهش<sup>۱۸</sup> می‌پردازند. در این فعالیت هدف داشتن دکترین و تولید علم است. علمی که دارای نوآوری است. انعکاس این فعالیت در نهایت منجر به ارائه رساله یا تز<sup>۱۹</sup> دکتری می‌گردد.

به نظر می‌رسد در نظام آموزشی ایران ماموریت‌های سه‌گانه هم‌پوشانی داشته و در یک دوره با سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ارائه می‌گردند. در این صورت دانشجوی ورودی پایین‌ترین مقطع تحصیلی در دانشگاه میل به پیمودن این مسیر تا انتها و اخذ مدرک دکتری را در سر می‌پروراند. به بیان بهتر تنها یک مسیر برای کلیه دانشجویان ورودی به دانشگاه‌ها، تعریف شده است. بی آن‌که اهداف و جایگاه واقعی هر حوزه و تفاوت بنیادی میان آن‌ها در تفکیک و تمیز خروجی و محصول آن مؤثر باشد.

پس از تبیین ماموریت‌های دانشگاهی و پیگیری آن در ساختار سلسله مراتبی آموزش و برون‌داد تخصصی آن به مدل‌های متعدد، از استراتژی‌های کلان آموزش عالی، که متأثر از نیازهای کلی کشور است، می‌پردازیم. در این مقاله به سه مدل از مدل‌های موجود اشاره می‌گردد: (جدول ۴-۲)

از چاه‌های جدید معرفتی و به کارگیری تفکر افقی در آن به سختی امکان‌پذیر می‌باشد. در نهایت مواجه شدن صرف دانشگاه‌ها و سامانه‌های آموزشی در این حوزه طبیعتاً باعث ایجاد خلاء و پوکی‌هایی در اجزاء شده که در تعریف کل یا وحدت اجزاء مورد نظر، ناکامی ایجاد نموده است. در این ارتباط می‌توان به مطلبی منتسب به حضرت علی (ع) ارجاع داد که می‌فرمایند: «العلم نقطه کثرها الجاهلون»، علم یک چیز و یک حقیقت بیشتر نیست و جهالت یا جاهلین آن را کثرت می‌بخشند.

یکی از مراتب حکمت<sup>۲۴</sup>، پرداختن به مقایسه و تمیز سره از ناسره است که دستاوردی مشتعل بر بیان خوبی و بدی، مثبت و منفی و درست و غلط خواهد داشت. نتایج این رویکرد تا حدودی غیر مادی است و اهداف غایی و انسانی را نیز پیگیری می‌نماید. به عبارتی به موضوعات علمی هویت انسانی بخشیده و مفاهیم مرتبط با انسانیت را تقویت می‌نماید. علاوه بر بررسی چستی و چرایی، ارزیابی و ارزشگذاری نیز در آن متجلی است. لذا جهان‌بینی و باورها دانش‌پژوهان در این حوزه بیشتر نمود می‌یابد. در مرحله علم اشراقی هدف سوق یافتن به سمت دنیایی از نادانسته‌ها و آنچه که هنوز فرصت هست شدن نیافته‌اند می‌باشد. برنامه‌ها در این حوزه از ظرفیت آینده نگاری برخوردار است که در اهداف اسلامی نمودن دانشگاه‌ها مؤثر واقع می‌گردد.

در این ارتباط و با هدف مدیریت علمی جهت تحقق اهداف کلان نظام، که در طرح جامع علمی کشور نیز منعکس گردیده، به ساحت چهارم از علم پرداخته و می‌گوییم که اشراق<sup>۲۵</sup> الهام گرفتن از عالم معنا از طریق ذره بینی عمل کردن، شفاف ساختن خویشتن برای مخاطبان، قابل شناخت نمودن و رمز گشایی آنچه که رازگونه در جهانی بین عالم ارواح و اجساد یا همان عالم نفس است می‌باشد. (تصویر ۶-۲) اشراق دست یافتن به علمی است که با تخیل و با بهره‌گیری از منابع اطلاعات عقلی اکتسابی، غریزی حسی و فطری احساسی حاصل می‌شود. لذا همان‌گونه که گذشت مواجهه بیش از حد

دانشگاه‌ها و سامانه‌های آموزشی با علم جزئی‌نگر عقلی اکتسابی، باعث کم‌رنگ شدن «معنی» و «مکلف بودن به خدمت» در معماری امروزمان شده است. (حجت، ۱۳۸۲)

### ۳. جهان‌بینی اسلامی و محو مشکل

با توجه به شرایط موجود سؤال اینجاست که در این میان نقش اسلام چیست؟ و نگرش اسلامی چه تأثیری بر سامانه و سیاست‌گذاری آموزش خواهد گذاشت؟ آنچه مسلم است، همواره برای تشخیص مشکلات به فلسفه و جهان‌بینی احتیاج است و برای حل مسائل نیاز به دانش و تکنولوژی وجود دارد. لیکن کارایی این علم و تکنولوژی دوباره محتاج پرداختن به فلسفه و جهان‌بینی است. اسلام به عنوان جهان‌بینی در تشخیص مشکلات و حل آن‌ها، دارای پیام است و همانند هر جهان‌بینی دیگری - چون مدرنیسم، مارکسیسم و دیگر ایسم‌ها - در فعالیت‌های توسعه‌ای تعیین جهت می‌نماید.

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، هدف‌های ما توسعه‌ای است. غایت دستیابی به رضایت خدا، رشد و تعالی انسان و تمامی نکات مرتبط با او به عنوان اشرف مخلوقات است. در این دیدگاه علم برای علم یا هنر برای هنر هدف نیست. بلکه علم، حکمی شده و منافع‌ی عام در محیط متعادل به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد. اسلامی بودن ویژگی خاصی است که در آن برنامه‌ها انسانی‌تر بوده و به بیانی، انسان محوراند. از سرمایه محوری و کالا محوری خارج شده و هدف آن تأمین نیازهای انسان (آسایش، سلامت و آرامش) و محیط اوست. این تفکر دارای اصولی چند مقیاسی است و همانند هر مکتب دیگر حاوی ایده‌آلهایی برای رصد کردن مشکلات و حل نمودن آن‌ها، عمیق کردن دانسته‌ها و ایجاد راه کارهای جدید و افق‌های تازه است. با انسان محور شدن توسعه، حرکت‌ها متناسب با نیازها تعریف می‌شوند. در توسعه کیفی چیزی اضافه نمی‌گردد، چیدمان تغییر می‌کند. لذا مدل توسعه انسان محور می‌تواند

سامانه آموزشی را از توسعه خودرو و بی جهت برهاند. اسلام انگشت اشاره به یک حقیقت است که انعکاس در وجود انسان دارد. اسلام در ما تجلی می‌یابد و بشارتی است برای شناخت بیشتر از خود. پس در جهان‌بینی اسلامی، هدف رشد و احیای آن حقیقت و چیزی است که در وجود انسان (دانشجو) و تکیه بر کرامت انسانی اوست. لذا می‌توان برداشت نمود که آموزش به معنی پر کردن خالی نیست بلکه به معنای رشد دادن و به فعل درآوردن قوه‌های نهان است. آکوف<sup>۲۶</sup> در این باره می‌گوید: «علم و توسعه دادنی و گرفتنی نیست. هرکسی خودش خودش را توسعه می‌دهد و آن ناشی از تجربه‌ی مکرر شکست‌هاست. تجربه در به‌دست آوردن یا دریافت چیزی نیست بلکه فعال کردن استعدادها، هموار کردن و اصلاح یک مسیر و استعداد درونی است.» در تفکر اسلامی، مکلف کردن انسان به خدمت به خدا و خلق او، ارجح دانستن منافع جمعی به فردی و همچنین ارجحیت دادن نتیجه و محصول علم بر خود علم، از دیگر خصوصیات است که می‌تواند در تعریف مدل ساختاری آموزش و پرهیز آن از بهبودگی تأثیرگذار باشد. همچنین رو به آینده داشتن و آینده‌نگری در اسلام بیشتر از هر مکتب و دین الهی دیگر دیده می‌شود. مسلمانان همواره در پی شرایط بهتر برای آینده و عبرت گرفتن از گذشته هستند. طرح ایده‌آل در فلسفه اسلامی برای مواجهه با مشکلات و حل آن‌ها، مدیران مسلمان را در دسته آینده‌نگاران<sup>۲۷</sup> و یا آینده‌سازان قرار می‌دهد. (تصویر ۱-۳)

#### ۴. تفکر اسلامی، تفکر توسعه‌ای، تفکر خلاق

همان‌گونه که گذشت، دانشگاه از مهمترین بسترهای رشد خلاقیت در جامعه است. زیرا می‌تواند دانشجویان را برای بهتر اندیشیدن، ابتکار به خرج دادن، نوآوری کردن، مقابله با ناشناخته‌ها و ... آماده سازد. در عرصه خلاقیت و سازندگی فکری، هیچ هنرمند و صنعتگری به پای پیامبران نمی‌رسد و هیچ نظام فکری و عملی‌ای همچون

اسلام بر تفکر خلاق و خلاقیت تأکید نداشته است. مسأله تفکر، تدبّر و خلاقیت فکری در سیره پیامبر اعظم درخششی خاص دارد. ایشان همواره با شیوه‌های متعدد و خلاقیتی چون: استقلال فکری، گفتگو و مباحثه، داستان و عبرت‌آموزی، استدلال، همانند سازی و تشبیه و ... اذهان مردمان را به سوی تفکر خلاق بر می‌انگیختند تا ضمن به فعلیت در آمدن استعدادهای بالقوه آن‌ها، زمینه حرکت به سوی کمال نیز فراهم گردد. (حسینی، ۱۳۸۷) در همین رابطه، پیامبر اسلام می‌فرماید: «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است». همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آیا می‌پنداری جسم کوچکی هستی؟ درحالی که درون تو دنیای بزرگی نهفته است.» ضرورت توجه به خلاقیت در بعد معنوی ناشی از مقام و جایگاه والای انسان به عنوان خلیفه... است. بدیهی است که انسان بالقوه باید دارای صفات و ویژگی‌های خداوند در سطحی رقیب و انسانی باشد تا به چنین مقامی نایل آید. بنابراین انسان بالفطره خلاق است زیرا خداوند دارای چنین قدرتی است. البته خلاقیت خداوند با انسان بسیار متفاوت است و کمال انسانی در گرو نواندیشی و نوگرایی اوست. لذا تا انسان به کمک قوه خلاقیت از قالب‌های ذهنی محدود نجات نیابد، نمی‌تواند به جایگاه منبسط حقیقی خویش برسد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت: خلاقیت به معنویت می‌انجامد و معنویت به خلاقیت. (تصویر ۴-۱)

از شواهد چنین بر می‌آید که در جهان‌بینی اسلامی، امید به «شدن» به اندازه‌ی «بودن» از اهمیت برخوردار است. بدیهی است که برای شدن، باید از بودن‌ها و هست‌ها گذر کرده یا صرف نظر نمود. گو آن‌که «شدن» خود در دو حوزه پیشرفت (توسعه کمی) و تکامل (توسعه کیفی) و یا به عبارتی در سطح و عمق، توأمان بروز می‌نماید. می‌توان این‌گونه بیان داشت که دیدگاه اسلام، دیدگاهی کلی نگر است. آنچه از مفهوم کل در پژوهش مطرح است یکپارچگی نیست بلکه وحدتی است دارای اجزایی متنوع، دقیق و مشخص. لذا منطق



اسلام بر پایه‌ی استقرارِ حکمی استوار است، بر خلاف مفهوم کل در علم جزئی‌نگر و منطق استقرای علمی که بر اساس کلی‌سازی از روی شباهت‌هاست و امکان رشد را برای هر یک از اجزاء محدود می‌نماید. اسلام تأکید بر اجزاء را به گونه‌ای که هر جزء در جایگاه خود هست‌تر شده و به تعالی برسد مورد نظر دارد. (اسلامی، ۱۳۸۹)

در استنباط از استقرای حکمی و منطق افقی‌گرایی، هر جزئی در محل خود و به اندازه استعداد خود رشد کرده تعالی می‌یابد. هر چیز و هر کسی نقشی را بازی می‌کند و تفاوت و تنوع باعث مشارکت فعال‌تر اجزا می‌شود. این تلاش در بالاترین مرحله به وحدت<sup>۲۸</sup> می‌رسد، وحدتی که متفاوت است از یکپارچگی<sup>۲۹</sup> و دارای کثرت است. کثرت به این مفهوم که اگر یکی از عوامل کثیر را حذف کنیم، کل مجموعه بی‌معنا می‌شود. (اسلامی، ۱۳۸۹)

در استقرارِ حکمی اجزاء در کثرت<sup>۳۰</sup> هستند و از طریق شباهت آنها با هم کلی‌سازی نمی‌شوند بلکه از طریق تفاوت‌ها<sup>۳۱</sup>، شفاف‌سازی<sup>۳۲</sup> شده و به وحدت می‌رسند. توجیه عمل شفاف‌سازی می‌تواند از طریق تشریح عمل لنز دوربین عکاسی صورت پذیرد که در آن با چرخاندن لنز تفاوت عناصر آشکار شده و تصاویر مبهم شفاف می‌شوند. در این روش هر عنصری در جای خود ابقاء شده، تفاوتش با عنصر دیگر مشخص می‌گردد. بر اساس این مدل فکری هر عنصر، خود رشد می‌کند تا به کمال برسد و هیچ عنصری در مقام مقایسه به نفع دیگری کنار نمی‌روند. لذا اتفاق نهایی با رویکرد نظریه‌ای، ایجاد وحدت است. بر این اساس و بر خلاف تصور عامه، وحدت به معنای یک شدن نیست بلکه یکی شدن است. در عالم وحدت هر کدام از عناصر حرف خود را می‌زند و کامل‌ترین بیان را دارند. وحدت در جستجوی دنیای یگانه‌ای است که تنوع و تفاوت در آن بسیار است. در مدل شبکه‌ای (استقرارِ حکمی)، مسیر اعتباری است و آنچه اهمیت دارد، همان کثرت‌هاست که حقیقت دارند. در این نظام فکری، نیروها افقی فعال می‌شوند و پیوستگی ایجاد می‌نمایند. لذا هر جزء به اندازه کل حائز

اهمیت است. همانند آنچه در اندیشه و تفکر اسلامی و حتی هنر اسلامی دیده می‌شود. این بحث در مباحث مرتبط با توسعه و آموزش نیز مهم است. به عنوان مثال در رقابت درسی، هر کس در مسیر تکامل خود پیشرفت می‌کند نه آن که در اهداف مانند دیگران شده راه آن‌ها دنبال کند بلکه از درون خود رشد می‌کند. لذا می‌توان گفت از آنجایی که اهداف متمایزی از امر آموزش وجود دارد، طبیعتاً تعریف یک مسیر معین برای همگان، همانند مسیر فعلی، خالی از اشکال نخواهد بود.

همان‌گونه که بحث شد، تفکر توسعه‌ای در اسلام تفکری فراعلمی است. به گونه‌ای که ذهن محدود به قالب‌های فکری علمی جزئی‌نگر نمی‌ماند. همچنین بیش از هر مکتب فکری و یا دیگر ادیان الهی در آن ایده‌آل‌جویی، آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی مطرح می‌باشد. لذا بر اساس ایدئولوژی اسلامی، آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری و آینده‌نگری بیش از گذشته نگرانی توصیه شده است. حال آن‌که در دوره‌های آموزشی فعلی پس از آسیب‌شناسی وضع موجود و استفاده از تجربه دیگران (گذشته ایران و معاصر غرب)، گام بعدی یافتن راهی برای حل مشکلات و محقق نمودن توسعه می‌باشد که در حال حاضر نادیده گرفته شده است. لذا تنها به مطالعه شیوه‌های غربی بسنده کردن کافی نبوده و ما را از شناخت خود غافل می‌کند. می‌توان گفت تمدنی کردن فرهنگ خودی می‌بایستی در دستور کار رشته‌هایی چون معماری باشد. اصالت بخشیدن و عمیق شدن در معماری گذشته و احیای ارزش‌های آن، توجه به شخصیت و کرامت انسانی معماران و پاس داشت از مقام خلیفه‌الهی ایشان، خدمت به خدا و خلق خدا به عنوان تکلیف و بکارگیری آن‌ها در معماری می‌تواند راهگشای آموزش معماری آینده ما باشد.

## ۵. دیدگاه اسلامی در آموزش هنر

علم، دین و هنر بسترهایی هستند که دربرگیرنده

اطلاعات اکتسابی، فطری و غریزی بوده و توسط عقل، احساسات و حواس ۱۲ گانه قابل حصول می‌باشند. در رویکردی دین‌مدار فراوانی چیزها از ارزش آن‌ها کم نمی‌کند. لیکن در فرآیند تحصیل علم بی‌نظیر و کم‌نظیر بودن مورد توجه است. در حوزه علم به دلیل آن‌که اطلاعاتی از قبل وجود نداشته، زمان کسب علم و تبصر در تحصیل آن حائز اهمیت است. لیکن در بهره‌برداری از فطرت و غریزه، اطلاعات و نیازها قدیمی هستند. زمان آن‌ها اهمیتی ندارد. (تصویر ۱-۵) به عنوان مثال: اعداد ابداع هنری (چون وجود نداشته‌اند) و زوج یا فرد بودن اعداد، از مکاشفات علمی انسان است.

در نظریات فلاسفه شرق خلق اثر هنری، به موضوعی وابسته به عالمی دیگر تعبیر می‌شود. اگر نگاهی اجمالی به ادب پارسی بیفکنیم که آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ ایرانی - اسلامی با سلیقه شیعی و صبغه‌ای عرفانی است، در خواهیم یافت که در فرهنگ، واژه هنر همواره با تعالی، خیر، زیبایی، عشق و کمال، پیوندی وجودی داشته است. (دهخدا)

برای نمونه در ادبیات معماری فضا با بروز خاطرات به جای مانده از رخدادی در زمان و مکان خاص، تبدیل به مکان می‌شود. مکان معنوی، مکانی است که به مفهوم کلمه و با هدف تأثیر معنوی بر مخاطب است. مکان مقدس و استعلایی، مکانی است که امر مقدس در آن جاری بوده و یا حاوی امر قدسی است و مکان متعالی، خود دارای ارزش‌های ویژه معماری است. (تصویر ۲-۵) در دیدگاه اسلامی، انسان بالقوه انشایی و خلیفه‌اوست. او خلق می‌کند البته نه از عدم بلکه از هیچ و می‌تواند هیچ را از خفا بیرون آورده و آشکار سازد. از روح خداوند در انسان انشایی دمیده شده و لذا خلاق است.

بنا بر گفته عرفا انسان انشایی دارای ۳ ویژگی است: (تصویر ۳-۵)

۱. جوهر وجودی او که اراده و مبدا امر خلاقه است؛
۲. ذات وجود او که اختیار است و شرایط مناسب برای حفاظت، بلوغ و ظهور و بروز جوهر وجود را فراهم می‌آورد؛ و

۳. صفات وجود انسان که علم است و رابطه‌ی درون و بیرون و هماهنگی انسان با پیرامون خود را فراهم می‌آورد. هابراکن<sup>۳۳</sup> می‌گوید: «مردم طراحان اصلی هستند و طراحان حلال مشکلات می‌باشند». یعنی مردم طراحان اصلی‌اند و تشخیص مشکلات بر عهده‌ی آن‌هاست و این ساختار بارها از درون به بیرون باز شده، تکرار می‌شود و بالعکس نتایج به سمت مرکز و به درون بازگشته و به صورت حلزونی تا لایتناهی عمیق می‌شود. وقتی از اراده صحبت می‌کنیم منظور اراده آزاد مردم است که می‌تواند تصویری خودآگاه یا ناخودآگاه جامعه را به سمت سازندگی سوق دهد.

آفاق و انفس، اصطلاحی در عرفان و فلسفه اسلامی است. آفاق جمع افق و به معنای کران، ناحیه، کرانه آسمان، کنار و برگرد جهان بوده و انفس، جمع نفس به معنی ذات، روح و خود است. در واژگان متفکران اسلامی این دو با توجه به قرآن کریم<sup>۳۴</sup> در معنای جهان و انسان و یا ظاهر و باطن و یا عالم مادیات و مجردات به کار رفته است. چنان‌که عالم آفاقی کنایه از عالم ظاهر و اصغر و عالم اجساد است و عالم انفسی اشاره به عالم باطن و اکبر و عالم ارواح دارد.

سیر در آفاق و انفس، یعنی تفکر در لطایف وجود آدمی و مشاهده دقیق هستی، مطلبی که به صورت مختلف در رسالات دانشمندان اسلامی مطرح گردیده است. در تفاسیر قرآن، مفسران عام و خاص ضمن تفسیر آیه «سنزبهم ایتنا الافاق و فی انفسهم» در توجیه دو کلمه آفاق و انفس، تفاسیر مختلفی بیان داشته‌اند که در این مقاله، مجال پرداختن به آن‌ها نمی‌باشد. شیخ محمود شبستری، آفاق و انفس را مترادف با عالم صغیر و کبیر یا انسان و جهان به کار برده است. باب ششم رساله او در برابر کردن آفاق و انفس یعنی برابر کردن تن آدمی با عالم است. وی در باب هفتم، این دو واژه را با ظاهر و باطن یا عالم ظاهر و باطن تطبیق می‌نماید (مرآت المحققین، ۳۵). این سیر و سلوک در هنگام گسترش و بسط یافتن سیر آفاق و در هنگام جمع

شدن و رسیدن به حقیقت، سیر انفسی نامیده می‌شود. مقدمه‌ی آفرینش هنری کشف و شهود است. هنر متعهد از شهود آغاز می‌شود و قهرمان او خداست. به عبارتی، هنرمند اسلامی انسان را به یاد خدا می‌اندازد. هنرمند واقعی سیر و سلوکی از عالم محسوس دارد و این تعهد وی باعث ارتقای جامعه می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰)

## ۶. نگرش اسلامی در آموزش معماری سنتی

در نظام آموزشی اسلامی معماری در ایران، غالباً آموزش‌های حرفه‌ای و کارگاهی همراه با آموزش‌های مبانی ایدئولوژیک و فکری و در قالب نظام‌های فتوت انجام می‌گرفته است. آیین فتوت را می‌باید مسلکی اخلاقی، دینی و عرفانی به شمار آورد، چرا که بر تهذیب اخلاق و پرورش خصایص و فضایل اخلاقی استوار گردیده بود. (آملی، ۱۳۷۹، ۱۱۱) آموزش مبانی فکری، ایدئولوژیک، اخلاقی و ادراکات شهودی و صوفیگری، بخش مهمی از آموزش معماران گذشته را تشکیل داده است. مهم‌ترین مندرجات فتوت‌نامه‌ها را مباحث اخلاقی، صوفی‌گری و نیز دینی و معنوی تشکیل می‌دهد. که مهمترین آن نیز همان تأکید به اصول اخلاقی است که هنروان و پیشه‌وران را بدان توصیه شده است. (آملی، ۱۳۷۹، ۴۱۱ و ۵۱۱)

با مطالعه بر دیدگاه‌های آموزش معماری سنتی در آراء فارابی، ابن خلدون، فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه، می‌توان به جایگاه اهداف، محتوا، اهمیت یادگیری، نحوه‌ی ارزشیابی، زمان و مکان یادگیری و شیوه‌های بروز خلاقیت در یادگیرنده دست یافت. که عمده‌تأ مبتنی بر تلفیق آموزش‌های علمی و عملی، دینی و عرفانی و اخلاقی هستند. (قدوسی‌فر، ۱۳۹۱) لذا از مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش معماری سنتی ایران، آموزش در محیط واقعی و تجربه‌عینی آموزش است. هم‌زمانی عملیات ذهنی، معناسازی در آموزش، درگیری عاطفی حرفه آموز با محیط و ساختار آموزشی و یادگیری در محیط را داراست.

## ۷. شیوه‌های آموزش اسلامی هنر

هر چند ویژگی‌های هنر امروز، همانند علم جدید با اتکای به نظریه، آمیختگی با ریاضیات و ایفای نقش فاعل‌گرایانه به دنبال تبیین پدیده‌هاست، اما در نگرش سنتی و به صورت خاص در مکتب اسلام به دلیل تجلی الهی، این ویژگی‌ها جنبه‌ی تقدس به خود می‌گیرد و همواره با نگرشی خدا محور و غایت‌گرا، در وحدتی به سوی او، هنر را با خاصیت سلسله‌مراتبی توأم می‌نماید. در حال حاضر شناخت و طراحی اثر هنری، عمدتاً مسأله‌ی محور است. به عنوان مثال در معماری، در سیر از سؤال به جواب مؤلفه‌هایی برای پاسخ به سؤال مطرح شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. (رجوع شود به تصویر ۳-۱) اما همه‌ی مواردی که برای طراح امروز از طریق حل مسأله محقق می‌شود، در نگاه اهالی سنت به وسیله‌ی طراح در روند راز آموزی و رمز گشایی به دست می‌آید. این ویژگی یکی از محورهای عمده‌ی مفهوم یادگیری و تربیت را در مقابل آموزش می‌نشانند. رابطه‌ای که بین هنرمند و اثر هنری و یا معمار و معماری در نگرش سنتی جدید وجود دارد می‌تواند به خوبی تفاوت مسأله را با راز نشان دهد. از این طریق نظام کنونی آموزش هنر و معماری از بستری که در آن هنرمندان و معماران مسلمان تربیت می‌شدند، متمایز می‌شود.

از جمله ملاحظات لازم در امر آموزش، به عنوان مثال در معماری، توجه به روش تدریس اساتید است که عموماً از تجربه‌ها، باورهای شخصی و یا اصول علمی منبعث از مدل‌های فکری آن‌ها شکل گرفته‌اند. روش آموزش اسلامی برای پاسخگویی مناسب به نیاز کاربر، به فعل در آوردن استعدادهای بالقوه دانشجویان در جریان حرکتی مداوم از عمق باورها به سطح فراورده‌های طراحی شده و بالعکس می‌باشد. این روش آموزشی که تحت عنوان آموزش ساختارگرا<sup>۳۵</sup> شناخته می‌شود، همانند روش آموزش درون‌زا، یادگیری جایگزین آموزش شده و با مشارکت گروهی و فعال دانشجویان

در تعیین موضع موضوع، برنامه فیزیکی، انتخاب زمین و ... معنی یافته، کشف و شهود ایده‌های اصلی طراح با روش اشراقی، در حرکتی از کل به جزء و دستیابی به استاندارد فضاهای معماری با روش علمی و حرکتی از جزء به کل حاصل می‌شود. در مرحله بعدی این دو نتیجه در تعامل با یکدیگر قرار گرفته و توأمان محیط مناسبی را برای ایجاد تفکری خلاق در یک فرایند پویا به وجود می‌آورند. لذا آموزش دهنده و آموزش گیرنده، در محیطی تخصصی با به‌کارگیری استعدادهای فطری، غریزی و اکتسابی خود و از طریق تجربه استفاده از اطلاعات و ارتباطات لازم به توسعه استعلایی زندگی عادی و حرفه‌ای خود می‌پردازند. (اسلامی، ۱۳۸۹)

حجت در آموزش صحیح معماری سه منزل پیشنهاد می‌نماید: تزکیه که شامل پالایش و پرورش است، تعلیم که شامل پیمایش است و آموزش و در نهایت حکمت که شامل گزینش و آفرینش است (حجت، ۱۳۸۲) که هر یک در فرهنگ اسلامی دارای تعریفی جامع و کاربردی‌اند و می‌تواند در سامانه‌های آموزشی و تعریف دروس، مورد استفاده قرار گیرند.

## ۸. نتیجه‌گیری

آنچه گذشت مؤید این مهم است که سامانه آموزشی فعلی نسبت به انتظارات تعریف شده دچار از هم گسیختگی بنیادی و پراکندگی کلی است. لذا داشتن شاکله مناسب شکل گرفته از جهان‌بینی حکیمانه می‌تواند راهگشا باشد. قطعاً با توجه به تغییرات و تحولات دنیای امروز، این سامانه می‌باید بر اساس مدلی با ثبات و نه ثابت طراحی گردد. مدلی که خود تنظیم بوده و به اندازه خود معماری، و نقش آن در سامانه آموزش معماری، پویا باشد. این مدل نه تنها در تعریف مقاطع تحصیلی و اهداف آن، بلکه در نحوه برگزاری دوره‌ها و کلاسها، تنظیم و تدوین طرح دروس و سرفصل‌ها می‌تواند پاسخگو باشد. به عنوان مثال این کاربرد مدل پیشنهادی می‌تواند در نحوه برگزاری کلاسها، سامانه

آموزش ساختارگرا یا استاد شاگردی مؤثر باشد. توصیه شده است که در این شیوهی آموزش، تجربه و حضور در مکان به جای قرارگیری در فضا الویت داشته باشد. اما آنچه مسلم است تفکیک اهداف بر اساس نیازهای مختلف جامعه چون تربیت معمار خلاق به جای معماری شناس صرف، تربیت نیروی متخصص متناسب با نیازهای سازمان‌های ذیربط چون نظام مهندسی و ... تربیت پژوهشگر در دوره دکتری و ... ضروری می‌نماید. حال آن‌که امروزه تفکیکی بر اساس نیازهای واقعی جامعه و تعریف حدود عملکردی هر یک از مقاطع تحصیلی، مشاهده نمی‌گردد. به عنوان مثال در دوره ارشد معماری با ساختاری نامتجانس، شاهد حجمی گسترده از فارغ‌التحصیلان هستیم که بدون آشنایی و یا دست و پنجه نرم کردن با دانش پایه معماری، وارد جامعه حرفه‌ای می‌شوند که پایین بودن کیفیت محصول و نتیجه‌ی آن نیز بر کسی پوشیده نیست.

به نظر می‌رسد که برنامه فعلی سامانه‌های آموزشی در توجه کافی به نیاز جامعه به مقاطع مختلف تحصیلی و حدود توانایی هر یک و در نهایت ارتقاء سطح جامعه از طریق تربیت افراد فهیم به جای دانش آموخته‌ی صرف، توفیق چندانی نداشته است. در این مقاله تلاش گردید تا با بررسی دیدگاه آینده نگار جهان بینی اسلامی، ایده‌آل‌های قابل تحقق و اولویت اخلاق مداری نسبت به تخصص مداری صرف، بتوان رشد خلاقیت و خلق شرایط جدید و در نهایت حل مشکل<sup>۳۶</sup> و محو مشکل را نتیجه گرفت.

ضرورت‌های خلاقیت در بعد معنوی ناشی از مقام و جایگاه والای انسان به عنوان خلیفه‌... است. بدیهی است که انسان بالقوه دارای صفات و ویژگی‌های خداوند است. بنابراین انسان بالفطره می‌بایستی خلاق باشد زیرا خداوند دارای چنین قدرتی است. البته خلاقیت خداوند با انسان بسیار متفاوت است و کمال انسانی در گرو نوبینی و نوگرایی اوست. لذا تا انسان به کمک قوه خلاقیت از قالب‌های ذهنی محدود نجات نیابد، نمی‌تواند

24. Wisdom
25. Intuition
26. Russell Ackoff
27. Interactivists
28. Unity
29. Uniformity
30. Diversity
31. Differentiation
32. Particularization
33. Habra ken

۳۴. سوره فصلت، آیات مبارکه ۱۴ تا ۳۵.

35. Constructivism
36. Problem Dissolving

## کتابنامه

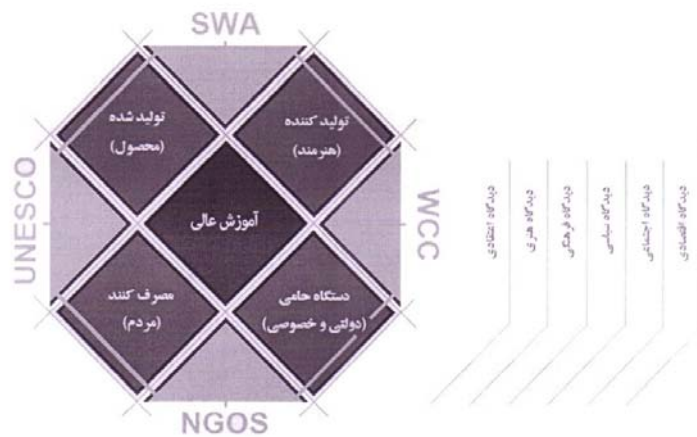
- املی، محمود. *نفایس الفنون فی عرایس العیون*. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۹.
- آراسته، حمیدرضا. «همکاری‌های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (ش ۳۹)، ۱۳۸۵.
- اسلامی، سید غلامرضا. کلاس برنامه‌ریزی معماری. دوره دکتری دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، اردیبهشت ۱۳۹۱.
- اسلامی، سیدغلامرضا. «هنر اسلامی و نگرش افقی». نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، شماره ۴۸، صفحه ۱۷-۵، زمستان ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_ توسعه کیفی آموزش معماری در افق ۱۴۰۴، نخستین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۹.
- امینی، محمد تقی. *سیاست‌گذاری توسعه کیفی آموزش عالی در ایران*. سیویلیکا، ۱۳۹۰.
- امیدی، یزدان. «عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری». مجله نامه آموزش عالی، (ش ۲)، خرداد ۱۳۸۳.
- امیدی، یزدان. «لایحه اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری». مجله نامه آموزش عالی، (ش ۷)، آبان ۱۳۸۳
- پیکاس سی، سانیا. تحول در سیاست‌گذاری و اعمال مدیریت در آموزش عالی. (ترجمه: داود حاتمی). تهران، ۱۳۷۷.
- حسینی، افضل سادات. ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- حجت، عیسی. «آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها». نشریه هنرهای زیبا، (ش ۱۴)، تابستان ۱۳۸۲، ص ۶۳-۷۰.
- حجت، مهدی. سنت و بدعت در آموزش معماری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- خان‌محمدی، علی اکبر. «فتوت نامه بنایان». مجله صفا (ش ۵)، ۱۳۷۱.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذکاء، یحیی. معماران و استادکاران دوره اسلامی: در معماری ایران

به جایگاه منبسط حقیقی خویش برسد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که خلاقیت به معنویت می‌انجامد و معنویت به خلاقیت. همچنین توصیه می‌شود تا به نظریه‌های برخاسته از زمینه، که در آن تفاوت‌ها مهمتر از شباهت‌ها می‌باشند، توجه بیشتری مبذول گردد. لذا زمان آن رسیده تا در ابتدا نیازهای واقعی جامعه توسط اهداف و برنامه‌های بالادستی، بر پایه‌ی اصول و ضوابط جهان‌بینی اسلامی و محلی، در دو مقیاس کلان و خرد، تعریف شده و سپس پاسخی برای آن نیازها و نه خواست‌های سازمانی و گروهی، آماده گردد.

## پی‌نوشت‌ها

1. Delivery
2. Sandwich Programs
3. Peter Drucker
4. Gelion
۵. سیاست‌های کلی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران طی ۸ ماده و ۱۹ بند در تاریخ ۸۲/۱۲/۱۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.
6. Islamic Philosophy and Worldview
7. Strategies
8. Policies
9. Targets
10. Goals
۱۱. UNESCO: سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد؛ NGO: سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی مستقل یا سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) که داوطلبانه بوده و براساس نیاز در جامعه ایجاد می‌شوند؛ WCC یا WACC: میانگین موزون هزینه سرمایه بر مبنای ارزش‌های بازار است؛ SWA یا SWOT: بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهاست. در واقع بررسی و ارزیابی متغیرهای موثر بالقوه داخلی و محیطی را گویند.
12. Data Collection
13. Report, Monograph
14. Search
15. Categorization
16. Classification
17. Dissertation
18. Research
19. Thesis
20. Science
21. What
22. Knowledge
23. Why

- دوره اسلامی. به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- سعات، اسفندیار. فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- شعبانی، احمد. «آمایش آموزش عالی: سیاست گذاری در جهت ارتقاء بهره‌وری در آموزش عالی». آیینیه دانشگاه، (ش ۷ و ۸)، اردی بهشت ۱۳۸۹.
- صمدآقایی، جلیل. خلاقیت جوهره کارآفرینی. تهران: انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- قارون، معصومه. تحلیل و برآورد تقاضای ورود به آموزش عالی. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
- قدوسی فر، سیده‌ادی. «آموزش سنتی معماری در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز». مجله مطالعات معماری ایران (ش ۱)، ۱۳۹۱، ص ۵۸-۳۹.
- قیومی بیدهدنی، مهرداد. نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه، اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴.
- مشرف جوادی، محمدحسین. بررسی نظام آموزش عالی کشورهای جهان و ایران. کنگره علوم انسانی. تهران، ۱۳۸۷.
- ملکی، عباس. سناریوسازی، روشی مؤثر در تصمیم‌سازی؟. تهران: ندیمی، حمید. «روش استاد و شاگردی از نگاهی دیگر»، تهران: نشریه هنرهای زیبا، (ش ۴۴)، زمستان ۱۳۸۹.
- ورنر زدهیرش، لوکای وبر. چالش‌های فراوری آموزش عالی در هزاره سوم (ترجمه: رضا یوسفیان املشی). تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۳.
- Ward, Edward & Audrey, E. Scriver. (1998). *Dynamic Scenarios: System Thinking Meets Scenario Planning*. New York: John Wiley & Sons.
- Islami, Seyed Gholamreza. (1998). *Endogenous Development: A Model for the Process of Man-environment Transaction*. Unpublished PhD Thesis, Edinburgh College of Art, Herriot Watt University, Edinburgh, U.K.
- www.ensani.ir
- www.Isna.ir



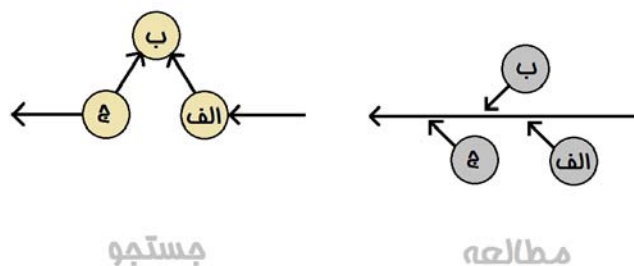
۲-۱

اهداف کلی آموزش و پژوهش (ماخذ: اسلامی، ۱۳۸۵)

کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	
	(Search) جستجو	(Research) پژوهش	تولید علم (پژوهش)
			انتقال علم (آموزش)
(Data Collection) جمع آوری اطلاعات	(Study) مطالعه		کاربرد علم (تفصیل)
گزارش (Report)	پایان نامه (Dissertation)	رساله (PhD Thesis)	

۲-۲

مدل ماموریت دانشگاه‌ها در سه مقطع تحصیلی (ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۱)



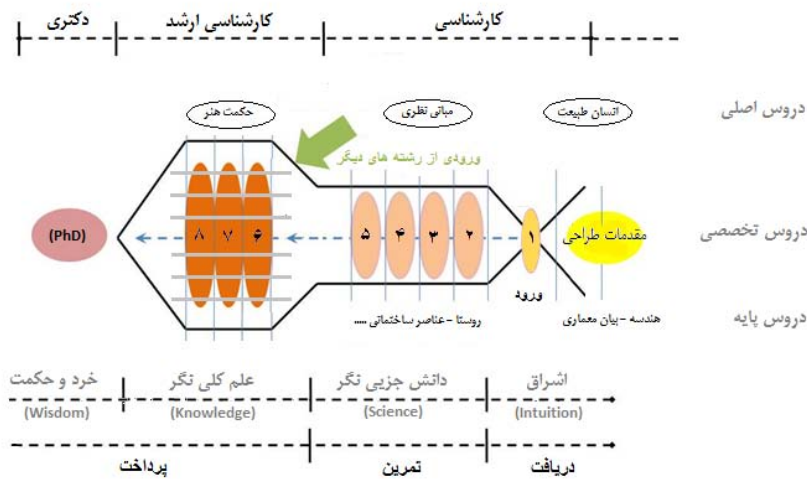
۲-۳

مقایسه ساختاری مسیر پژوهش در مدلی مبتنی بر مطالعه (Study) و جستجو (Search) (ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۰)

استراتژی‌های آموزشی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	PhD دکتری
دوکی شکل (مثال: نظام آموزشی انگلیس)			
ماسوره‌ای شکل (مثال: نظام آموزشی آلمان)			
استوانه‌ای شکل (مثال: نظام آموزشی ایران)			

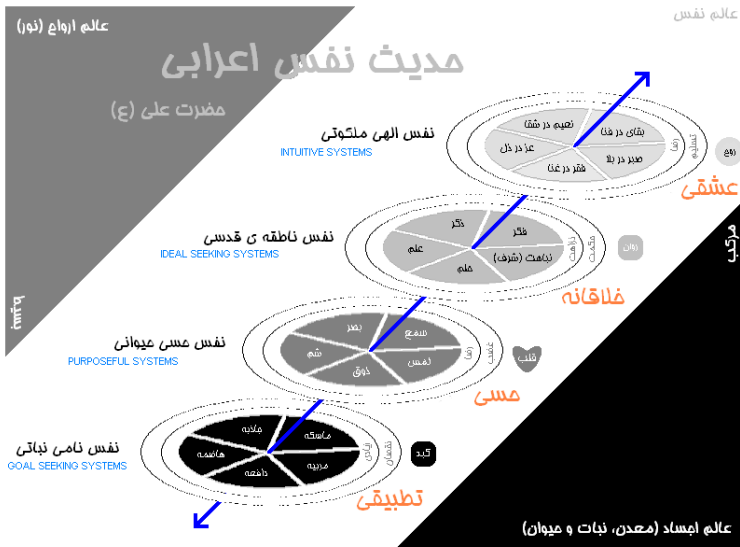
۲-۴

مدل فراوانی فارغ‌التحصیلان در استراتژی‌های نظام‌های آموزشی  
(ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۱)



۲-۵

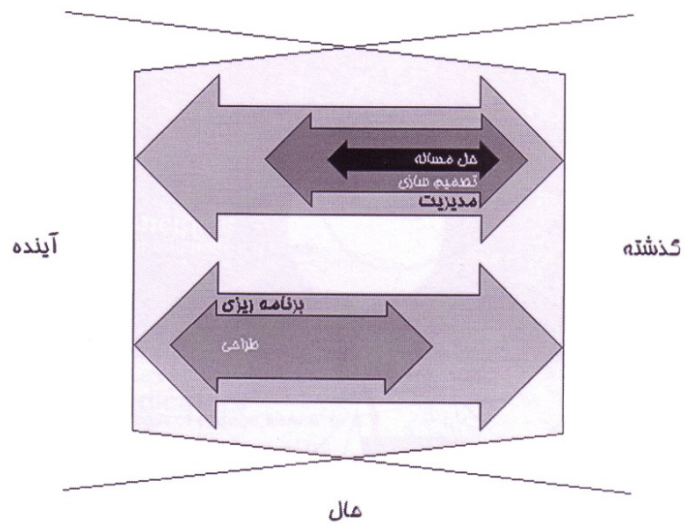
مدل مقایسه اهداف مقاطع آموزشی با مراتب مختلف علم  
(ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۰)



۲-۶

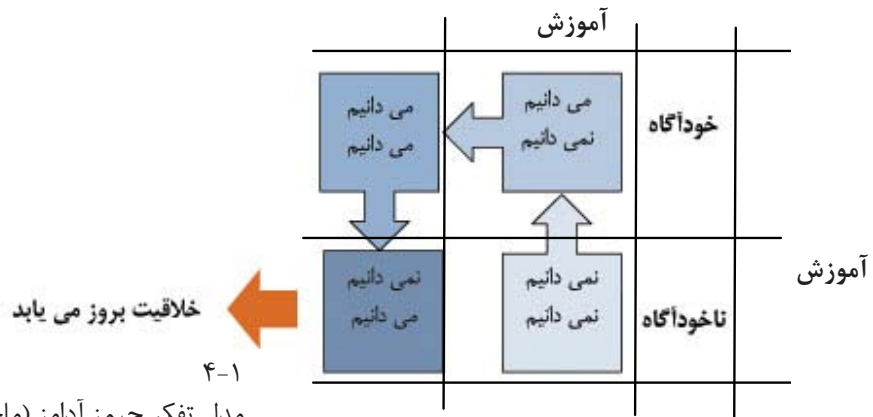
چهار نوع نفس معرفی شده توسط حضرت علی (ع): نفس نامی نباتی، نفس حسی حیوانی، نفس ناطقه قدسی و نفس الهی ملکوتی



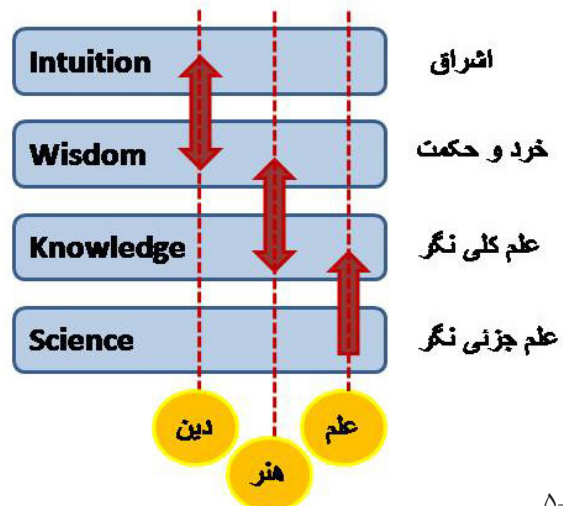


۳-۱

فرآیند عبور از گذشته و حضور در آینده از طریق توجه به فعالیت‌های مختلف برخوردار با مسأله، تصمیم‌سازی و مدیریت تا ارائه برنامه و طرح در زمان مفهومی (ماخذ: اسلامی، ۱۳۷۷)

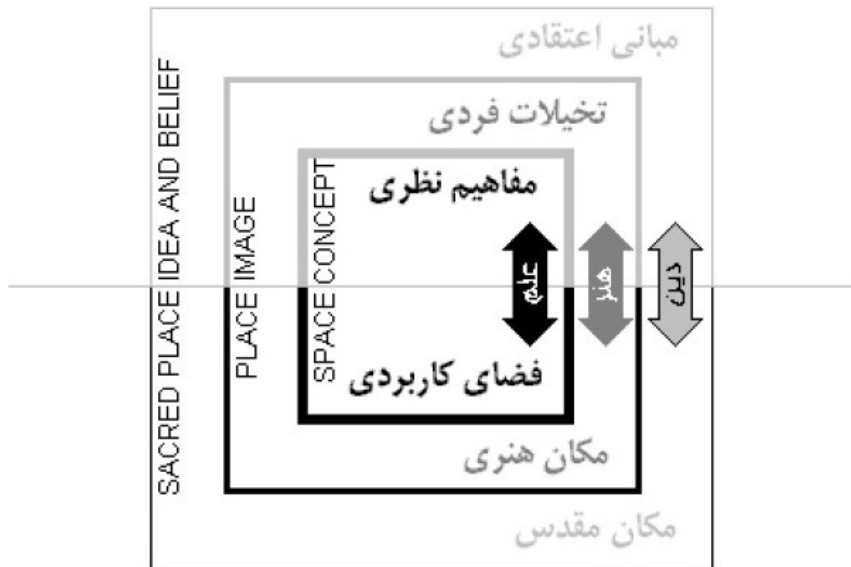


مدل تفکر جیمز آدامز (ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۰)



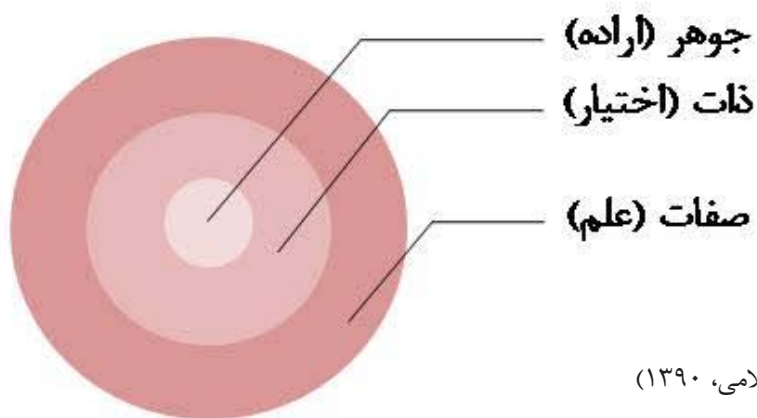
۵-۱

ارتباط علم، هنر و دین در جایگاه سلسله مراتبی علم جزئی نگر تا اشراق در عالم ناسوت (ماخذ: اسلامی، ۱۹۳۱)



۵-۲

مدل همپوشانی علم و هنر و دین در نیل به طرح متعالی معماری (ماخذ: اسلامی، ۱۳۸۴)



۵-۳

مراتب وجود انسان (ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۰)